

## تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان پایه هفتم متوسطه

محمد رضا سرمدی<sup>۱</sup>

مهديه رضائی<sup>۲\*</sup>

[mdrezaee@pnu.ac.ir](mailto:mdrezaee@pnu.ac.ir)

احمد روحانی فر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۵

### چکیده

**زمینه و هدف:** آموزش و پرورش یکی از نهادهایی است که می‌تواند پایه‌گذار رفتارهای درست محیط‌زیستی باشد. تفکر انسان‌ها باید به گونه‌ای پرورش یابد که مؤلفه‌های محیط‌زیستی را در نظر بگیرند و این امر، مستلزم گسترش آموزشی در خصوص فلسفه محیط‌زیستی است. هدف از اجرای این پژوهش، مطالعه تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان پایه هفتم دوره اول متوسطه شهر کرج بود. **روش بررسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها از نوع نیمه آزمایشی با طرح تحقیق پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه کنترل بوده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه رفتار محیط‌زیستی بود که روایی صوری و محتوایی آن با توجه به کاربرد در تحقیقات پیشین و نظرخواهی از ۱۸ نفر از متخصصین مورد تأیید قرار گرفت و ضریب پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۰ به دست آمد. سؤال‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی، میانگین، درصد و تحلیل کوواریانس و نرم‌افزار SPSS<sup>20</sup> مورد تحلیل قرار گرفتند ( $P \leq 0/05$ ).

**یافته‌ها:** نتایج حاکی از آن بود که آموزش فلسفه بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان، تأثیر مثبت و معناداری داشته است. از آنجا که  $p$  مقدار آزمون (۰/۰۰۱) کمتر از ۰/۰۱ است بنابراین آموزش فلسفه در سطح ۰/۰۱ بر رفتار محیط‌زیستی تأثیر معناداری دارد، ضریب اتا نیز ۰/۹۶ محاسبه شد.

بحث و نتیجه‌گیری: با استناد به نتایج حاصل می‌توان ادعان داشت که اثرات مثبت آموزش فلسفه در مدارس به دانش‌آموزان؛ نشانگر دستیابی کودکان به رفتاری است که دل‌بستگی آن‌ها را به کلیه عوامل زنده و غیرزنده زمین و حفاظت از محیط‌زیست نشان می‌دهد. **واژه‌های کلیدی:** فلسفه برای کودکان، آموزش، رفتار محیط‌زیستی، دانش‌آموزان.

۱- استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه آموزش محیط‌زیست، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. \* (مسوول مکاتبات)

۳- دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

## Effects of Teaching Philosophy for Children on Environmental Behavior in Seventh Grade High School Students

Mohammad Reza Sarmadi<sup>1</sup>

Mahdieh Rezaei<sup>2\*</sup>

[mdrezaee@pnu.ac.ir](mailto:mdrezaee@pnu.ac.ir)

Ahmad Rohanifar<sup>3</sup>

Received: June 4, 2018

Accepted: October 7, 2018

### Abstract

**Background and Purpose:** Education is one of the institutions that can be the basis of the environmental behaviors. Human thought must be developed in such a way as to take into account environmental factors, and this requires the development of education in the field of environmental philosophy. The present study aimed to study the effects of teaching philosophy for Children on environmental behavior, in seventh-grade high school students in Karaj, Iran.

**Methods and Materials:** This study was applied in terms of its approach and used a quasi-experimental method for data gathering; it also used a pretest-posttest design and included a control group. The tool for gathering data was the questionnaire whose face and content validity was confirmed by past studies and a survey from 18 specialists; its reliability was determined to be 0.86 via Cronbach's alpha coefficient. The questions were analyzed using methods of statistical description and inference, and mean, percentage, and ANCOVA were analyzed via SPSS<sub>22</sub> ( $P \leq 0.05$ ).

**Results:** There results indicated that teaching philosophy had a significant, positive effect on environmental behavior. Since the p value of the test (0.001) is less than 0.01, so teaching philosophy at the level of 0.01 has a significant effect on environmental behavior, the Eta coefficient was calculated to be 0.96.

**Discussion and Conclusion:** According to the results, it can be affirmed that positive effects of teaching philosophy in high schools shows the children access to variables which indicate their attachment to all animate and inanimate entities on the earth and their awareness of protecting the environment.

**Key Words:** Teaching Philosophy, Education, Environmental behavior, Students

---

1- Professor, Department of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran

2- Assistant Professor, Department of Environmental Education, Payame Noor University, Tehran, Iran  
(Corresponding Author)

3- M.A., in History and Philosophy of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran

## مقدمه

محیط‌زیست در سطح جهانی و ملی در معرض تهدیدهای جدی قرار دارد و تغییراتی که انسان در محیط‌زیست ایجاد می‌کند و بی‌مسئولیتی و ناآگاهی درباره مسائل محیط‌زیستی، سبب بروز مشکلات بسیاری در محیط‌زیست شده که اثرات نامطلوب آن رو به افزایش است، بنابراین داشتن شهروندانی باسواد و رفتار محیط‌زیستی، ضرورتی انکارناپذیر است. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای دستیابی به رفتار محیط‌زیستی، آموزش محیط‌زیست است که در قالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی، می‌تواند در این زمینه، نقش اساسی داشته باشد. آموزش محیط‌زیست یک فرآیند یاددهی است که عناصر طبیعی و ساخته ذهن بشر را به یکدیگر و رشته‌های مختلف علمی پیوند می‌دهد. اساس شکل‌گیری و رشد انسان و ایجاد رفتار و عادات صحیح از دوران کودکی آغاز می‌شود. حفاظت از محیط‌زیست هم دانش و عادت است که باید از کودکی آموخته شود تا همراه باسواد هنری، علمی و فناورانه به یک باور ذهنی تبدیل شود؛ بنابراین، افزایش آگاهی محیط‌زیستی دانش‌آموزان به‌عنوان نسل‌های آینده برای تشویق آن‌ها برای رفتار مسئولانه در قبال محیط‌زیست و همچنین اهمیت حفظ آن، یکی از اقدامات پیشگیرانه‌ای است که باید به آن اهمیت اساسی داده شود (۱).

نحوه برخورد و دیدگاهی که نسبت به طبیعت و محیط‌زیست وجود دارد ناشی از تفکر انسان‌ها در خصوص مبانی فلسفی می‌باشد. آموزش و پرورش یکی از نهادهایی است که می‌تواند پایه‌گذار رفتارهای درست محیط‌زیستی باشد. کودکان با کنجکاوی محیط پیرامون خود را کندوکاو می‌کنند؛ بنابراین با برنامه‌ریزی‌های دقیق و ایجاد امکانات و شرایط مناسب می‌توان دانش و آگاهی‌های محیط‌زیستی و نگرش مثبت نسبت به محیط‌زیست را در این دوران افزایش داد (۲). مدارس امروز، به دلیل پیشرفت‌های علوم و فنون و با توجه به بعضی از رویکردهای روان‌شناختی، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق

علمی معطوف نموده و از تربیت انسان‌های متفکر و خلاق فاصله گرفته‌اند؛ اما کودکان از حس کنجکاوی طبیعی برخوردارند و تمایل دارند محیط‌های فیزیکی و روانی را کشف نمایند. چنانچه ذهن کودک درگیر مباحث فلسفی شود، می‌توان نحوه تفکر او را رشد داد (۳). از سوی دیگر، پیماننامه حقوق کودک سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) هر فرد زیر ۱۸ سال را به عنوان کودک، تعریف کرده است (۴).

در پایان قرن نوزدهم پایه‌های نهضت فلسفه برای کودکان، در واکنش پیشرفت گرایان به دایره المعارف گرایان<sup>۲</sup> در زمینه یادگیری و جایگاه کم و حاشیه‌ای کودکان در مدرسه شکل گرفت. این نهضت برخلاف دیدگاه‌های دایره المعارف گرایان که بر کسب دانش از راه حافظه تأکید می‌کردند بر فلسفی شدن طبیعی کودکان در مفاهیم بنیادین زندگی تأکید می‌کرد. در حدود دهه شصت، ماتیو لیپمن<sup>۳</sup> یک تجربه آموزشی خلاق را در عرضه جانشینی برای حافظه مداری، در جهت آموزشی که نیازهای اساسی کودکان را برآورده کند، ارائه کرد (۵). او، بنیان‌گذار برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان (P4C) است. به نظر او فلسفه ویژه بزرگسالان نیست و کودکان نیز می‌توانند آن را انجام دهند. وی از فیلسوف و کارشناس برجسته آموزشی، جان دیویی<sup>۴</sup>، الهام گرفته است. دیویی، کلاسی را در نظر داشت که دانش‌آموزان با مشارکت هم در یادگیری خود نقش دارند و فقط کنجکاوی و حس شگفت‌زدگی، آن‌ها را به یادگیری بیشتر وادار می‌کند. دیویی و لیپمن باور داشتند که در چنین کلاس‌هایی، دانش‌آموزان به‌گونه‌ای پرورش می‌یابند که در برابر جامعه، خود را مسئول می‌دانند و فعالانه برای پیشرفت آن همکاری می‌کنند. رویکرد ویژه «فلسفه برای دانش‌آموزان» بر این فرض استوار است

1- CRC

2- Encyclopedian

3- Matthew Lipman

4- John Dewey

شهروندی، رشد فردی و میان فردی، پرورش توانایی یافتن معنا در تجربه (۹)، ایجاد حس خودباوری و بالا بردن اعتمادبه‌نفس در کودک؛ علاقه‌مندی به درس و معلم؛ بروز استعدادها و پنهانی و شکوفایی آن؛ اعتقاد به مفید بودن درس‌ها و ایجاد انگیزه؛ درک و یادگیری بهتر آموخته‌ها؛ قدرت مقابله با مشکلات؛ کشف کمبودهای معنوی کودک؛ بروز پرسش‌های پنهان کودک؛ عادت به تفکر فردی و گروهی، ایجاد روحیه خودتصحیح‌گری در کودکان و ایجاد مسئولیت‌پذیری (۱۰).

مروری بر تحقیقات انجام‌شده در داخل و خارج کشور به‌عنوان پیشینه پژوهش، این نتایج را به دست داده است: جلیلیان و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی تحت عنوان «اثر بخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسئله و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان» انجام دادند. برای این منظور ۸۰ نفر از دانش‌آموزان به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش ۴۰ نفر و گواه ۴۰ نفر قرار گرفتند. نتایج نشان داد که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان برافزایش توانایی حل مسئله و رشد قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته است (۱۱). عابدینی نظری (۱۳۹۵) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر اعتمادبه‌نفس و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر دوره اول مقطع متوسطه منطقه ۶ تهران» انجام داد. در این پژوهش، کارگاه فلسفه برای کودکان برای گروه آزمایشی با ۱۸ نفر از دانش‌آموزان پسر در ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (هفته‌ای یک جلسه) به شیوه حلقه کاندوکاو برگزار شد. یافته‌ها نشان داد، آموزش فلسفه برای کودکان بر مؤلفه‌های اعتمادبه‌نفس و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر دوره اول مقطع متوسطه منطقه ۶ تهران تأثیر دارد (۱۲).

قبادیان (۱۳۹۴) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی» انجام داد. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی شهر خرم‌آباد تشکیل داده است. در این پژوهش، تعداد ۶۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شد، ۳۰ نفر در

که اگر کودکان و نوجوانان در بحث‌های گروهی با پرسش‌های باز درباره موضوع‌های موردعلاقه‌شان درگیر شوند، مهارت‌های استدلال کردن به بهترین شیوه در آن‌ها پرورش می‌یابد. پرسش‌های باز به پرسش‌هایی گفته می‌شود که پاسخ‌های گوناگون دارند. این پرسش‌ها در برابر پرسش‌های بسته جای می‌گیرند که پاسخ‌های سراسر دارند (۶).

در برنامه فلسفه برای کودکان علاوه بر فراهم آوردن کتاب‌های درسی متحدالشکل (داستان‌های فلسفی برای کودکان)، طرح آموزشی واحدی وجود دارد که در آن، دانش‌آموزان سطوح مختلف با قرائت بخشی از داستان با صدای بلند، کلاس را آغاز می‌کنند؛ سپس پرسش‌هایی راجع به داستان طرح می‌کنند و درباره آن‌ها به بحث می‌نشینند. روش کار به نحوی است که در طول کلاس، انتقاد متقابل و دوجانبه و ابراز عقاید در نهایت دقت صورت می‌گیرد. مربی، این روش را به‌عنوان رهیافتی آموزشی به رسمیت می‌شناسد و در پیش می‌گیرد و از این طریق، کودکان را هدایت می‌کند تا به شهروندانی در نظام دموکراسی تبدیل شوند (۷). برنامه فلسفه برای کودکان لیپمن از مجموعه‌ای از مواد مرکزی شامل هفت رمان همراه با کتاب راهنمای ضمیمه تشکیل شده است. این برنامه در ابتدای امر برای کودکان رده سنی ۷-۶ سال معرفی شده و فرض شده بود که کودکان در این رده سنی قادر به تفکر انتقادی و بازتابی هستند. برنامه پس از مدتی رده سنی ۱۶-۶ سال را نیز مورد پوشش قرار داده است. امروزه مواد محرک جایگزینی برای مواد اولیه لیپمن در کشورهای مختلف به وجود آمده است. به‌طورکلی، برنامه فلسفه برای کودکان، کودکان و معلمان‌شان را در یک داستان کوتاه، عکس، شعر، شیء یا بعضی محرک‌های دیگر درگیر می‌کند و سپس زمان تفکر درباره سؤال‌اتشان فرامی‌رسد. معلم و شاگردان پیش از اینکه بحث وسیع‌تری را انتخاب کنند بحث کوتاهی را باهم دارند (۸).

اهداف فلسفه برای کودکان را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد: بهبود توانایی استدلال، پرورش خلاقیت، پرورش تفکر انتقادی، پرورش درک اخلاقی، پرورش ارزش‌های هنری، پرورش

انتخاب شدند. نتایج نشان داد که بین سازه‌های مدل با رفتار محیط‌زیستی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به طوری که بین باورهای رفتاری، باورهای هنجاری، نگرش‌های محیط‌زیستی، هنجارهای ذهنی و قصد انجام رفتار و رفتارهای محیط‌زیستی، رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد (۱۶).

موریس<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) پژوهشی تحت عنوان «برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر روی شکل‌گیری کودک ایده آل فیلسوف»، انجام داد. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در شکل‌گیری تفکر در کودکان مؤثر باشد و همچنین این برنامه آموزشی در کمک به مربیان کودکان در آموزش‌های خود می‌تواند بسیار مؤثر باشد (۱۷). ورلی<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) پژوهشی تحت عنوان «فلسفه و کودکان» انجام داد. نتایج نشان داد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در جهت رشد و بهبود توانایی استدلال و پرورش خلاقیت، تفکر انتقادی، درک اخلاقی و ارزش‌های هنری، پرورش شهروندی و رشد میان فردی و فردی و پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه مؤثر باشد (۱۸).

کسیدی<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) پژوهشی تحت عنوان «فلسفه با کودکان: یادگیری برای زندگی خوب» انجام داد. آنچه او پیشنهاد داده این است که با یادگیری فلسفه برای کودک در برنامه درسی آموزش عالی اسکاتلند، انتظار می‌رود کودکان بتوانند انتخاب آگاهانه و تصمیم‌گیری و توسعه دیدگاه‌های اخلاقی و آگاهانه درباره مسائل پیچیده به‌عنوان بخشی از آموزش برای شهروند شدن را به دست آورند (۱۹). گیمنز دسای و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر بلندمدت فلسفه برای کودکان: مطالعه طولی (نتایج اولیه)» انجام دادند. جامعه آماری در این پژوهش ۶۰ کودک ۴ تا ۵ ساله بودند. ۳۲ کودک در گروه آزمایش و ۲۸ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. نتایج، تفاوت و بهبود معناداری را در درک احساسات و شایستگی اجتماعی میان گروه آزمایش افراد ۵ ساله

گروه گواه و ۳۰ نفر در گروه آزمایش. این تعداد، به‌صورت تصادفی در هر یک از گروه‌ها قرار گرفتند. نتایج حاصل از بررسی‌های آماری نشان داد که برنامه آموزش فلسفه بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کلاس پنجم تأثیر داشته است (۱۳). طالعی (۱۳۹۱) نیز پژوهشی تحت عنوان «تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر رشد مهارت‌های بنیادی» انجام داد. تحقیق حاضر که با روش توصیفی از نوع مطالعه اسنادی و به روش فیش‌برداری انجام شده، به نتایج ذیل نائل شده است: (۱) آموزش فلسفه به کودک، بر رشد مهارت‌های استدلالی و منطقی اثرگذار است. (۲) آموزش فلسفه به کودک، بر رشد مهارت‌های پژوهشی اثربخش است. (۳) آموزش فلسفه به کودک باعث ترقی مهارت‌های تفکر انتقادی در کودکان می‌گردد. (۴) آموزش فلسفه به کودک، بر رشد مهارت‌های تفکر خلاق، نقش مستقیم دارد (۱۴).

مرادی افرایی (۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین باورهای معرفت‌شناختی و میزان سواد محیط‌زیستی معلمان شهر بابلسر» انجام داد. در این تحقیق سعی شد تا درکی از سواد محیط‌زیستی شامل دانش، نگرش و رفتار معلمان شهر بابلسر، عوامل اثرگذار بر آن شامل ویژگی‌های زمینه‌ای جنسیت، سطح تحصیلات، مقطع تدریس و سابقه کاری و همچنین نحوه تأثیرگذاری باورهای معرفت‌شناختی بر سواد محیط‌زیستی آنان به دست آید. نتایج نشان داد که معلمان به لحاظ باورهای معرفت‌شناختی در سطح نسبتاً خوبی قرار دارند. همچنین نسبت به مباحث محیط‌زیستی حساس بوده و در رفتارهای خود به مسائل محیط‌زیستی توجه دارند؛ اما دانش کمی در مسائل پیرامون آن دارند. همچنین مشخص گردید که دانش محیط‌زیستی معلمان زن بیشتر از معلمان مرد بوده ولی در مورد رفتار و دانش محیط‌زیستی در سطح هم هستند (۱۵). نواح و فروتن کیا (۱۳۹۰) پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین کنش عقلانی و رفتارهای محیط‌زیستی (مورد مطالعه: جامعه شهری اندیمشک)» انجام دادند. نمونه تحقیق شامل ۳۸۴ نفر از ساکنان شهر اندیمشک بود که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای

1- Murriss

2- Worley

3- Cassidy

4- Gimens Dsai et al.

روش این پژوهش با توجه به هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع نیمه آزمایشی با طرح تحقیق پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. جامعه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، دانش‌آموزان پسر مدارس مقطع متوسطه پایه هفتم ناحیه ۴ شهر کرج بودند. از بین مدارس مقطع متوسطه پسرانه پایه هفتم در ناحیه ۴ شهر کرج بر اساس تحقیقات مشابه، تعداد ۶۰ نفر از دانش‌آموزان به‌عنوان نمونه در دسترس انتخاب و به‌صورت تصادفی به دو گروه ۳۰ نفره کنترل و آزمایش تقسیم شدند. برای تعیین کفایت حجم نمونه، از اندازه‌گیری توان آزمون استفاده شد. برای ورود به نمونه مورد مطالعه، این شرط در نظر گرفته شد که هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان در مطالعه، نباید دارای سابقه شرکت در کلاس‌های آموزش فلسفه در طول یک سال گذشته باشند. منظور از رفتار محیط‌زیستی در این پژوهش نمره‌ای است که آزمودنی‌ها از سؤالات ۱-۲۸ پرسشنامه رفتار محیط‌زیستی (امامقلی، ۱۳۹۰) به دست می‌آورند.

داده‌های موردنیاز این پژوهش به دو روش اسنادی و میدانی گردآوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه رفتار محیط‌زیستی (امامقلی، ۱۳۹۰) بود. این پرسشنامه، رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان را در مقیاس ۵ نقطه‌ای (همیشه تا اصلاً) لیکرت اندازه‌گیری می‌کند (۲۲). روایی پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش امامقلی (۱۳۹۰) توسط اساتید و صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفت. برای اطمینان بیشتر، در پژوهش حاضر نیز روایی پرسشنامه مورد استفاده از طریق ارائه به ۱۸ نفر از اعضای هیات علمی رشته‌های آموزش محیط‌زیست و علوم تربیتی و تأیید ایشان به دست آمد. برای سنجش پایایی پرسشنامه رفتار محیط‌زیستی از محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده و میزان پایایی آن در پژوهش امامقلی (۱۳۹۰) ۰/۸۴ به دست آمده بود که نشان از کفایت انسجام درونی این پرسشنامه دارد. برای اطمینان بیشتر از پایایی ابزار گردآوری داده‌ها، در پژوهش حاضر نیز از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ جهت تأیید پایایی این پرسشنامه استفاده گردید که ضریب ۰/۹۰ حاصل شد.

نسبت به گروه کنترل نشان داد. همچنین نتایج، تأثیر فلسفه را در پیشرفت مهارت‌های اجتماعی در افراد ۴ ساله نشان داد (۲۰). محققین در مطالعات خود به پژوهشی که تأثیر آموزش فلسفه بر رفتار محیط‌زیستی دانشجویان را به روش مداخله‌ای و نیمه آزمایشی مورد مطالعه قرار داده باشند، برخورد نکردند؛ بنابراین، عدم انجام چنین پژوهشی تاکنون ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب می‌نماید. حال با توجه به مطالب مطرح‌شده، این پژوهش با روش نیمه آزمایشی، سعی در پاسخ به این سؤال را دارد که آیا آموزش فلسفه برای کودکان بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان پایه هفتم دوره اول متوسطه تأثیر دارد؟

منظور از آموزش فلسفه در این پژوهش، استفاده از مجموعه سه‌جلدی فیلیپ کم ترجمه شهرتاش و رشتچی (۱۳۸۹) به مدت ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای می‌باشد. منظور از رفتار محیط‌زیستی نیز، آمادگی و گرایش به اقدام عملی در جهت بهبود مسائل محیط‌زیستی است (۱۵). رفتار محیط‌زیستی رفتاری است که فرد در برخورد با محیط‌زیست از خود بروز می‌دهد. افراد هر اجتماعی برحسب شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی خود برخورد متفاوتی نسبت به محیط‌زیست دارند. این رفتارها ممکن است کاملاً مثبت، محیط‌گرایانه<sup>۱</sup> و مسئولانه باشد؛ یا برعکس، کاملاً منفی و مخالف محیط‌زیست. منظور از رفتار محیط‌گرایانه، رفتاری است که آگاهانه به دنبال کاهش اثر منفی کنش فرد بر جهان طبیعی و ساخته‌شده به دست انسان باشد (از جمله کاهش مصرف انرژی و منابع، استفاده از مواد غیر سمی و کاهش تولید موارد زائد). رفتارهای محیط‌زیستی مسئولانه<sup>۲</sup> مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط‌زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط‌زیست را شامل می‌شود (۲۱).

## روش بررسی

1- Pro- environmenta

2- Responsible environmental behavior

پایان اجرای این آموزش، هر دو گروه آزمایش و کنترل، پرسشنامه سنجش رفتار محیط‌زیستی را مجدداً جهت انجام پس‌آزمون تکمیل کردند و داده‌های به‌دست‌آمده جهت تحلیل آماری استفاده گردید.

در تحلیل توصیفی داده‌ها از جدول توزیع فراوانی، درصد فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی در قالب جداول و نمودارها استفاده شد و در تحلیل استنباطی داده‌ها؛ آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، لون و همگنی شیب رگرسیون برای مطالعه پیش‌فرض‌های کاربرد آزمون آماری به کار رفت. درنهایت، سؤال پژوهش با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد مطالعه قرار گرفت. نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۰ نیز برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

#### یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش در دو قسمت ارائه شده است: ابتدا شاخص‌های توصیفی ارائه شده و سپس با بهره‌گیری از آزمون‌های آمار استنباطی، سؤال پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته است.

#### توصیف داده‌ها در راستای سؤال پژوهش

جداول زیر میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های پرسشنامه رفتار محیط‌زیستی را در دو مرحله پیش و پس‌آزمون برای گروه کنترل و آزمایش نشان داده است.

در ابتدا نمونه‌های گروه آزمایش و کنترل در پیش‌آزمون، پرسشنامه سنجش رفتار محیط‌زیستی را تکمیل نمودند. سپس گروه آزمایش تحت پروتکل آموزش فلسفه طی ۱۲ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای قرار گرفت و در این‌بین تا مرحله پایانی آموزش، گروه کنترل هیچ‌گونه آموزشی دریافت نکردند. جهت اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان از مجموعه سه‌جلدی فیلیپ کم ترجمه شهرتاش و رشتچی (۱۳۸۹) استفاده شد. در این اثر، هر داستان بر اساس یک مضمون خاص مثل ماهیت حقیقت، خوبی و زیبایی، نظم در طبیعت، قدرت، آزادی، ذهن و بدن، درست و نادرست، دوستی، قول دادن، دروغ‌گویی، رشد فردی، انصاف، جامعه، مراقبت، تبعیض، حقوق و مسئولیت‌ها، خشم، زورگویی، جرأت، ترس و مرگ و غیره تنظیم شده است (۲۳). این داستان‌ها فرد را تشویق می‌کنند تا سؤال‌های خود را درباره عنوانین ذکر شده مطرح و درباره تجربه خود پیرامون زمان و تغییر بحث کنند و روابط انسان با محیط را بررسی نمایند. در مجموع از این کتاب‌ها پنج داستان جذاب و مرتبط باهدف این پژوهش انتخاب گردید تا در کلاس برای گروه آزمایش مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. همچنین از کتاب راهنمای معلم / کتاب کار داستان‌های فکری نیز برای کمک‌رسانی و هدایت سؤالات دانش‌آموزان در این فرآیند استفاده شد. جلسات آموزش فلسفه از طریق گفت‌وگوی بین معلم و دانش‌آموزان با توجه به داستان‌های مطرح شده صورت گرفت. در

جدول شماره ۱- مقایسه میانگین و انحراف استاندارد متغیر رفتار محیط‌زیستی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه	متغیر وابسته
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۰/۶۱	۴/۵۷	۰/۷۸	۱/۸۰	آزمایش	رفتار
۰/۷۷	۱/۸۹	۰/۷۷	۱/۸۷	کنترل	

پیش از تحلیل نتایج، پیش فرض‌های مهم برای استفاده از آزمون آماری مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن در ادامه آمده است.

- پیش فرض‌های آزمون آماری

الف- مستقل بودن: نمره هر فرد در متغیر همراه و وابسته، مستقل از نمره‌های تمام شرکت‌کنندگان دیگر است. در پژوهش حاضر به دلیل انتخاب تصادفی شرکت‌کنندگان، این پیش فرض رعایت شده است.

ب- نرمال بودن: برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که میانگین نمرات پیش‌آزمون متغیر رفتار محیط‌زیستی، پس از آموزش در پس‌آزمون تغییر یافته است.

### تجزیه و تحلیل استنباطی

در این بخش، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری پژوهش، گزارش و بر اساس این یافته‌ها، سؤال پژوهشی، مورد مطالعه قرار داده شده است. برای پاسخگویی به سؤال پژوهش با توجه به وجود متغیر پیش‌آزمون و امکان وجود تفاوت اولیه دو گروه آزمایش و کنترل برای کم کردن تفاوت اولیه و مقایسه پس‌آزمون‌ها، از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شده است. ضمناً

جدول شماره ۲- آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیر پژوهش

پرسشنامه	متغیر	Z کولموگراف اسمیرنوف	P
رفتار محیط‌زیستی	رفتار	۱/۱۷۷	۰/۱۲۵

۰/۵۷۷	۱	۵۸	۰/۴۵۱
-------	---	----	-------

نتایج آزمون لون نشان داد که مقدار  $p$  آزمون ( $۰/۴۵۱$ ) بیشتر از  $۰/۰۵$  می‌باشد. پس واریانس میزان رفتار محیط‌زیستی دو گروه آزمایش و کنترل در سطح  $۰/۰۵$  در پیش‌آزمون تفاوت معناداری ندارند.

د- پیش فرض اجرای پیش‌آزمون قبل از شروع تحقیق: پیش‌آزمون قبل از ارائه آموزش به گروه آزمایش ارائه شده است.

ه- همگنی شیب رگرسیون: فرض می‌شود که در نمونه، رگرسیون متغیر وابسته  $Y$  از روی متغیر همراه  $X$  در هر دو گروه یکسان است. این پیش فرض فقدان تعامل بین گروه‌ها و نمرات پیش‌آزمون را بررسی می‌کند، اگر تعامل وجود نداشته باشد یعنی

همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌گردد، آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای نمره متغیر اساسی پژوهش، معنادار نیست ( $P > ۰/۰۵$ ) و بنابراین این متغیر دارای توزیع نرمال است و می‌توان از تحلیل‌های کوواریانس برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کرد.

ج- همگنی واریانس‌ها: برای کاربرد تحلیل کوواریانس، همگنی واریانس‌ها نیز باید وجود داشته باشد. برای بررسی این پیش فرض از آزمون لون بهره گرفته شد. جدول شماره ۳، نتیجه بررسی این پیش فرض را نشان داده است.

جدول شماره ۳- آزمون لون بعد رفتار محیط‌زیستی

آماره آزمون	Df1	Df2	مقدار p
-------------	-----	-----	---------



شیب رگرسیون‌ها یکسان است. جدول شماره ۴، نتایج مطالعه این پیش‌فرض را نشان داده است.

جدول شماره ۴- خلاصه نتایج آزمون همگنی شیب رگرسیون متغیرهای پژوهش

متغیر	مجموع مجزورات	Df	F	Sig
رفتار محیط‌زیستی	۲۰۰/۳۰۴	۱	۲/۰۹۲	۰/۸۱۱

وابسته از روی متغیر مستقل در هر گروه، یک خط مستقیم است. این فرض برای متغیر مورد مطالعه، بررسی شد. برای اینکه رابطه خطی باشد لازم است احتمال مقدار F در عامل خطی بودن از ۰/۰۵ بیشتر باشد. در جدول شماره ۵، نتایج حاصل از آزمون خطی بودن گزارش شده است.

نتایج مندرج در جدول شماره ۴ نشان داده است که مقدار F تعامل بین متغیر مستقل و هم پراش معنادار نیست (۰/۰۵)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پیش‌فرض همگونی شیب رگرسیون رعایت شده است. و- خطی بودن: فرض می‌شود که در نمونه، خط رگرسیون متغیر

جدول شماره ۵- خلاصه نتایج آزمون خطی بودن رابطه متغیر مستقل با پس‌آزمون رفتار محیط‌زیستی

متغیر	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	Sig
واریانس بین گروهی	۸۰۴۴۰/۶۳۳	۲	۸۰۴۴۰/۶۳۳	۷۲۶/۴۵۹	۰/۰۰۱
خطی بودن	۲۲۹/۰۳۷	۱	۲۲۹/۰۳۷	۴/۱۳۷	۰/۰۴۷
گروه	۸۰۴۳۹/۵۰۴	۱	۸۰۴۳۹/۵۰۴	۱۴۵۲/۸۹۷	۰/۰۰۱
خطا	۳۱۵۵/۷۹۹	۵۷	۵۵/۳۶۵		
مجموع	۵۴۰۴۶۲/۳۶۷	۶۰			

مستقل، بخشی از اثر عمل آزمایش را هم حذف نمی‌کنیم. در پژوهش حاضر چون شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی در گروه‌های آزمایش و کنترل، جایگزین شده‌اند تفاوت‌های فردی در توانایی یادگیرندگان به حذف بخشی از اثر عمل آزمایش منجر نمی‌گردد.

#### بررسی و تحلیل سؤال پژوهش

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول شماره ۵ و با توجه به اینکه سطح معناداری مقدار F به‌دست‌آمده در جدول از میزان ۰/۰۵ کمتر است، لذا پیش‌فرض خطی بودن رابطه متغیر همراه با پس‌آزمون متغیر وابسته مورد تأیید قرار گرفت. ز- مستقل بودن متغیر مستقل: این فرض به این نکته اشاره دارد که با حذف پراکندگی متغیر وابسته قابل پیش‌بینی از روی متغیر

**سؤال:** آیا آموزش فلسفه برای کودکان بر رفتار محیط‌زیستی

دانش‌آموزان پایه هفتم دوره اول متوسطه شهر کرج تأثیر دارد؟

جدول شماره ۶- آزمون تحلیل کوواریانس بعد رفتار محیط‌زیستی

منبع پراکنندگی	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون	P	ضریب اتا	توان آزمون
پیش‌آزمون	۱۲۲/۳۹۱	۱	۱۲۲/۳۹۱	۲/۱۳۸	۰/۱۴۹	۰/۰۳۶	۰/۳۰۱
گروه	۷۸۰۵۵/۴۹۴	۱	۷۸۰۵۵/۴۹۴	۱۳۶۳/۷۵۱	۰/۰۰۱	۰/۹۶۰	۱/۰۰۰
خطا	۳۲۶۲/۴۴۵	۵۷	۵۷/۲۳۶				

نتایج منعکس‌شده در جدول شماره ۶ آزمون تحلیل کوواریانس بعد رفتار محیط‌زیستی نشان داد که ضریب اتا برابر است با ۰/۹۶۰ و این بدین معنی است که حدود ۰/۹۶ از تفاوت مشاهده‌شده در میزان رفتار محیط‌زیستی مربوط به آموزش فلسفه بوده است. از طرفی چون  $p$  مقدار آزمون (۰/۰۰۱) کمتر از ۰/۰۱ بوده است، بنابراین آموزش فلسفه در سطح ۰/۰۰۱ بر رفتار محیط‌زیستی تأثیر معناداری دارد و چون توان آزمون ۱/۰۰۰ و بزرگ‌تر از ۰/۸ است حجم نمونه برای پژوهش کافی بوده است.

#### بحث و نتیجه‌گیری

نظام فلسفی، چارچوب کلی و منسجمی از نگاه به عالم هستی، طبیعت، انسان و تکامل او، معرفت و چگونگی شکل‌گیری معرفت، ارزش‌ها و اخلاق را فراهم می‌سازد که هر یک از این موارد، مستقیماً نظام آموزش و پرورش و به تبع آن برنامه‌های درسی و فعالیت معلم را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان سعی دارد تمام عناصر یک برنامه درسی، از قبیل هدف، محتوا، نقش معلم و شاگرد، روش تدریس، اصول طراحی و سازمان‌دهی یک برنامه درسی را مدنظر قرار دهد. به نظر لیپمن هدف عمده این برنامه آموختن تفکر به کودکان است.

اهداف کلی این برنامه متوجه کل پایه‌های درسی است و شامل پایه ۱ تا ۱۲ می‌شود.

این پژوهش تأثیر آموزش فلسفه بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان پایه هفتم مقطع متوسطه را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج نشان داد که واریانس میزان رفتار محیط‌زیستی دو گروه آزمایش و کنترل در سطح ۰/۰۵ در پیش‌آزمون تفاوت معناداری ندارند. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس بعد رفتار محیط‌زیستی نیز نشان داد که ضریب اتا برابر است با ۰/۹۶۰ و این بدین معنی است که حدود ۰/۹۶ از تفاوت مشاهده‌شده در میزان رفتار محیط‌زیستی مربوط به آموزش فلسفه بوده است. از طرفی چون  $p$  مقدار آزمون (۰/۰۰۱) کمتر از ۰/۰۱ است بنابراین آموزش فلسفه در سطح ۰/۰۰۱ بر رفتار محیط‌زیستی تأثیر معناداری دارد و چون توان آزمون ۱/۰۰۰ و بزرگ‌تر از ۰/۸ است حجم نمونه برای پژوهش کافی بوده است.

نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش جلیلیان و همکاران (۱۳۹۶)، عابدینی نظری (۱۳۹۵)، موریس (۲۰۱۶)، ورلی (۲۰۱۶) و کسیدی (۲۰۱۳) همسو بود. از دلایل همسو بودن پژوهش‌های فوق با پژوهش حاضر را می‌توان به مشابهت در برنامه آموزش فلسفه و نوع آموذنی‌های تحقیق نسبت داد. در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت: رفتار انسانی شامل مجموعه‌ای از رفتارهای

- 4- Convention on the Rights of the Child, G.A. res. 44/25, annex, 44 U.N. GAOR Supp. (No. 49) at 167, U.N. Doc. A/44/49 (1989), entered into force Sept. 2 1990.
- 5- Vansieleghem, N. (2006). Listening to dialogue, *studies in philosophy and education*, 25(1), p.p.175-190.
- ۶- شاو، ران. (۱۳۹۲). فلسفه در کلاس درس: راهکاری برای پرورش دانش‌آموزان اندیشمند، ترجمه حسن سالاری، چاپ دوم، تهران: طراحان ایماژ.
- ۷- دره زرشکی، ن. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش فلسفه برای کودکان P4C بر تفکر انتقادی و هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدائی شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد.
- ۸- حسینی، ا.، حسینی، س. (۱۳۹۰). بررسی رویکردهای مختلف در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نسبت آن با برنامه درسی رسمی، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۷۵.
- ۹- ملکی، ز. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر داستان‌های کلیله و دمنه بر آموزش فلسفه به کودکان در پایه ششم ابتدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا.
- ۱۰- واعظ شهرستانی، ز. (۱۳۹۲). فلسفه برای کودکان از مفروضه‌های موهوم تا واقعیت‌های موجود، آموزش معارف اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۱۵-۱۹.
- ۱۱- جلیلیان، س.، عظیم پور، ا.، جلیلیان، ف. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مسأله و قضاوت اخلاقی در دانش‌آموزان، پژوهش‌های تربیتی شماره ۳۲، صص ۸۰-۱۰۱.
- ۱۲- عابدینی نظری، م. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر اعتمادبه‌نفس و تفکر انتقادی دانش‌آموزان

بروز یافته انسان است که از فرهنگ‌ها، نگرش‌ها، احساسات، ارزش‌ها، اخلاقیات، ارتباط، ترغیب، قهر و علم وراثت تأثیر می‌پذیرد. باینکه رفتار تحت تأثیر مجموعه پیچیده‌ای از عوامل قرار دارد، اما بخش زیادی از آن ناشی از نگرش افراد به محیط‌زیست است، که این نگرش نیز به‌نوبه خود از میزان دانش و اطلاعات فرد در مورد انواع روش‌های حفاظت از محیط‌زیست تأثیر می‌گیرد. به عبارتی تفکر انسان‌ها باید به‌گونه‌ای پرورش یابد که صرف‌نظر از مسائل اقتصادی مؤلفه‌های محیط‌زیستی را هم در نظر بگیرند. این امر مستلزم گسترش آموزش در خصوص اخلاق و فلسفه محیط‌زیستی است. بر اساس نتایج حاصل از مطالعه سؤال پژوهشی، پیشنهاد می‌شود که در آموزش رفتار محیط‌زیستی به دانش‌آموزان، آموزش فلسفه در اولویت قرار گیرد. ذکر این نکته لازم است که این پژوهش محدود به ناحیه ۴ شهر کرج بوده و در تعمیم نتایج باید با احتیاط عمل شود.

#### منابع

- ۱- ویسی، ه.، زردیان، ا.، لیاقتی، ه. (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی برای ارتقای سواد محیط‌زیستی دانش‌آموزان: نیازهای آموزشی و روش‌های برآورد نیازها، دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌زیست، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲- پورمعصوم، ب.، فیاض، ا.، بازرگان، س. (۱۳۹۶). شکل‌گیری سواد زیست‌محیطی کودکان بر اساس برنامه درسی راهبردی، برنامه‌ریزی چندبعدی و بسته یادگیری چندرسانه‌ای، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۳(۱)، پیاپی ۱۲۹، صص ۹-۳۲.
- ۳- فرمهینی فراهانی، م.، میرزامحمدی، م.، خارستانی، ا. (۱۳۸۸). تبیین تطبیقی اهداف آموزش فلسفه به کودکان در کشورهای مختلف، فصلنامه حکمت و فلسفه، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۴۵-۷۰.

- Emotion Comprehension and Social Skills in Early Childhood through Philosophy for Children, *Childhood & Philosophy*, Vol.9, No. 17, pp. 63-89.
- 21- Kollmuss, A. & Agyeman, J. (2002). Mind the gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro- environmental behavior?, *Journal of environmental education research*, vol. 8, no. 3, p.p: 240-260.
- ۲۲- امامقلی، ل. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۲۳- کم، فیلیپ. (۱۳۸۹) با هم فکر کردن: کندوکاوهای فلسفی برای کلاس. ترجمه فرزانه شهرتاش و مزگان رشتچی، تهران: شهرتاش.
- پسر دوره اول مقطع متوسطه منطقه ۶ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۱۳- قبادیان، م. (۱۳۹۴). تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳۰، صص ۱۳۸-۱۴۹.
- ۱۴- طالعی، س. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر رشد مهارت‌های بنیادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۱۵- مرادی افراپلی، ز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین باورهای معرفت‌شناختی و میزان سواد زیست‌محیطی معلمان شهر بابلسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۶- نواح، ع، فروتن کیا، ش. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کنش عقلانی و رفتارهای زیست‌محیطی (مورد مطالعه: جامعه شهری اندیمشک)، فصلنامه علمی محیط‌زیست، شماره ۵۱، صص ۶۸-۷۸.
- 17- Murriss, K. (2016). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof' texts and the formation of the ideal philosopher child. *Studies in Philosophy and Education*, 35(1), 63-78.
- 18- Worley, P. (2016). Philosophy and children. *The Philosophers' Magazine*, (72), 119-120.
- 19- Cassidy, Claire (2013) Philosophy with children: learning to live well . *Childhood and Philosophy*, 8 (16). pp. 243-264.
- 20- Giménez-Dasí, M., Quintanilla, L. and Daniel, M. F. (2013). Improving